

کمیته اجرائی کنگره یهود (در اروپا)

تصمیم دول غربی را درباره آزاد نمودن

ویاتخفیف مجازات جنایتکاران هیتلری مورد اعتراض قرار داده است

درباره مجرمین جنگ دست بر دارند
بنی آدم : ما نظریه عموم افراد جامعه
خود را باین سیاست شوم دول امریکا
انگلیس ، فرانسه ، جلب نموده ، کلیه
سازمان های علاقمند را با اعتراض عمومی
غلبه این روش ناهنجار دعوت می کنیم .
دول غربی بخاطر حفظ منافع شوم عده ای
صاحبان کارخانجات عظیم اسلحه سازی یک
بار دیگر میکوشند جریانات ۱۹۳۳ را
در آلمان تکرار نمایند .
جنایتکاران جنگ را ابتدا از مجازات
اعدام رها ساختند ، برای فرو نشاندن خشم
افکار عمومی جهان مدتی آنها را مجبوس
نمودند و اکنون بتصور اینکه مردم جنایات
آدمکشان نازی را فراموش نموده اند
مزدوران خود را با صحنه سازی گوناگون
آزاد نموده ، اداره امور آلمان غربی را
بعده آنان میگذارند .
وقایعی که اکنون در آلمان غربی
میگذرد ، از قبیل تسلیح مجدد ارتش و
سپردن اختیارات آن بدست نازیهای سابقه
دار عدم تعقیب جنایتکاران و آزاد نمودن
آنان مورد اعتراض عموم مردم شرافتمند
جهان است .

کمیته اجرائیه کنگره جهانی یهود
(در اروپا) در جلسه اخیر خود سیاست
دول غربی را درباره مجرمین نازی مورد
مطالعه قرار داد و قطعنامه زیر را تصویب
نمود .

در کمیته اروپائی کنگره جهانی یهود
تصمیم دول بریتانیا ، فرانسه و اتانزونی
را درباره مجرمین جنگ آلمان با نفرت
تلقی می کند . سه دولت نامبرده تصمیم گرفته
اند حکم محکومیت مجرمین نازی را که در
محاکمه مخصوص متفقین محاکمه و محکوم
گردیده اند ، لغو نموده و محاکمه آنها را
در دادگاهی که دولت بن نیز در آن شرکت
داشته باشد تجدید نمایند ، در بین این
محکومین پست ترین میلادانی یافت میشوند
که در کشتار دستجمعی یهودیان بل رهبیری
زا بعده داشته و پادر اجرای این فجایع
شرکت نموده اند .

کمیته اجرائیه هر نوع سیاست اغماض
و تخفیف در مجازات محکومین جنایت پیشه
را محکوم و انزجار شدید خود را نسبت
باین تصمیم ایراز میدارد و از دول متفق
میخواهد که از سیاست کمک و مساعدت

فیلم هنری = دستمزد (کوی گرانینچنا)

فیلمیکه با درس مبارزه همیآ موزد

در این فیلم ها برده هائی چند از
همکاری صمیمانه یهودیان لهستانی و سایر
آلمانیها در مبارزه علیه دشمن مشترک
نشان داده میشود
چندی قبل فیلم بنام «آخرین مرحله»
در سینما کس نمایش داده شد
این فیلم جنایات نازیها و شهامت و قهرمانی
های مردم لهستان اعزاز یهودی و غیر
یهودی را نشان می داد و مادریکی از شماره
های این روزنامه شرح مختصر آن را درج
نمودیم .

استودیوی فیلمبرداری دولت ضد
فاشیست لهستان اخیرا فیلمهایی درباره مبارزه
جانانه ای که ملت لهستان در حین اشغال
علیه فاشیستهای خونخوار هیتلری نموده
تهیه کرده است که دو تایی آنها آی در تهران
بمعرض نمایش گذارده شده است



لیبریان پیر مرد خیاط و داویدوک قهرمان کوچک فیلم

اکنون نیز مدت یک هفته است که
فیلم دیگری موسوم به کوی گرانینچنا
در سینما تهران بمعرض نمایش گذارده شده
است .
این فیلم با شرکت کارکنان سینمای
جمهوری ملی چکوسلواکی تهیه شده است
در این فیلم ما سر نوشت و زندگی آدم های
کوچک و ساکین ساده کوی گرانینچنا را
مشاهده می کنیم مبارزه ای نظیر آنچه که در
این کوی دیده می شود در شهر قهرمان ورشو
بسیار بوده و نشان دهنده آن است که آن شهر
چگونه در مقابل تهاجم و وحشیگریهای دژ خیمان
فاشیست آلمان دلیرانه مقاومت و مبارزه
میکرده است .

تماشای فیلم «کوی گرانینچنا» از دو
نظر جالب توجه است ،
یکی اینکه در حین نمایش بینجان و
شور و شرف مردم ضد استعمار ایران بر
میخوریم و این نشانه رشد بی نظیر ملت
ایران است که در همه حال مبارزات ضد
استعماری و ضد فاشیستی ملل را صحنه می -
گذارد و به قهرمانیها و رشادتهای افرادی
نظیر «ناتانها» و «داویدوکها» بدیده
احترام میگرد و این خودخاری است که
در چشم مقلدین فاشیستهای ایرانی مآب
میخندد و دیگر خود موضوع فیلم است که
یکبار دیگر پوچ بودن تئوریهای نژادی
محصول دماغهای میوب در اثبات مینمایدون
بقیه در صفحه ۴

از شخصیت های بزرگ یهود

یهودای منوهین

نابغه ای که با ارشده و یونانی خود دنیا را مسحور

ساخته است

سه سالش بود که اولین درس خود را گرفت و شش سالش
بود اولین کنسرت خود را داد و هنوز ده سال از عمرش نگذشته بود
که در سراسر اروپا و امریکا مشهور گشت و بزرگان موسیقی جهان
بتحسین و تکریم او پرداختند

توضیح و تذکر

روزنامه «دانیا» در دو شماره ای که منتشر نموده بیهوده
کوشیده است بادرچ مطالبی تحریک آمیز ، روزنامه بنی آدم را در
ماجرائی وارد سازد که بهیچوجه بصلاح جامعه متمسکیده ماننمیباشد .
هیئت تحریریه بنی آدم ، باتوجه بماموریت خاصی که از طرف
دشمنان جامعه بعده این روزنامه گذارده شده است ، برای احتراز از
ورود در این ماجرا تصمیم گرفته است که بهیچیک از تهمت ها ،
دشنام ها ، افتراها و سپاسیهای این روزنامه پاسخ نگوید و از این
پس ویرا همچنان بحال خود گذارد . بیداری و هشاری افکار عمومی
جامعه یهود وسیله نام هائی که در دو هفته اخیر بدقت روزنامه رسیده
و همگی از روش ماجرا طلبانه روزنامه نامبرده ابراز تنفر نموده و از
ما خواسته اند که نیروی خود و وقت خوانندگان را صرف پاسخ گوئی
بناسزاها و تحریکات آن نسائیم و بالاتر از همه توجه بمصالح و منافع
جامعه ، مویدا در اتخاذ این روش می باشد .

تازه وارد

در ۲۲ ماه آوریل ۱۹۱۷ در شهر
نیویورک در یک خانواده یهودی بدنیا
آمد که پدر و مادر نام او را یهودی منوهین
نام گذاشتند بقیه در صفحه ۳

بررسی برنامه انتخاباتی کاندیدهای
برنامه انتخاباتی آقای انور
دوره ۱۷ یهودیان ایران

شما سازدن جامعه یهود بسایر هم میهنان و ایجاد
حسن تفاهم و میهنی بین آنان
شناسائی - دوستی

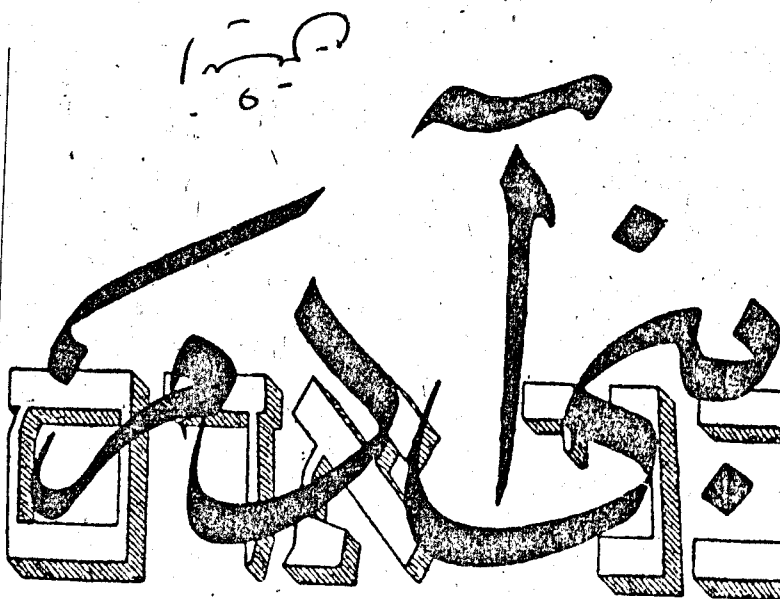
تاریخ تکرار میشود
از هژد ژوزف

«ملائوس؟!»

باز هم دستگاه استعمار
یعنی این دیوبست آدمخوار
بقیه در صفحه ۳

یهودیانی که بسر نوشت خود و لزوما
بسر نوشت جامعه خویش علاقمند هستند ،
و حوادث و پیش آمدهای اجتماعی را بطور
دقیق مورد نظر قرار داده و با منطقی
لازم تجزیه و تحلیل میکنند باین نتیجه
رسیده و یامی رسند که برای ایجاد حسن
تفاهم و بستگی لازم بین یهودیان و سایر
هم میهنان باید یهود را آنطور که هست
بشناساند

دشمنان آسایش اجتماع و همکاریان استعمار
بقیه در صفحه ۲



ارگان جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران

یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۳۱ برابر ۲۳ آبان
شماره ۳۱ با ۲ ریال

بمناسبت هفتمین سال سقوط برلن

در ماه مه ۱۹۴۵ فاشیسم در لانه خود نابود گردید

ولی اکنون مادر فاشیسم در صدد احیاء

مجدد آنست

هفت سال پیش در بهار روز نهم مه شهر برلن آشیانه قدرت
طلبان و آژمندهان هیتلری سقوط کرد و ملل جهان پس از شش سال
جانبازی و دادن میلیونها قربانی موفق گردیدند بساط تنگین و جنایتبار
فاشیسم را در کانون آن در هم چیده و بمسرتنگین هیتلر و یارانش
پایان دهند .

فاشیسم - این ننگ قرن بیستم ، با کمک استعمار طلبان ، امریکا
و انگلیس و مرجعین فرانسه و بوسیله صاحبان کارخانجات عظیم ، در
آلمان قدرت یافت .

بعد از جنگ ۱۹۱۸ - این کشور دچار بحران شدیدی شده بود .
فقر و تنگدستی کارگران و مردم متوسط آلمان را دچار وضع فلاکت باری
نموده بود .

مردم این کشور میرفتند تا عاملین بدبختی و سیه روزی خود را
بشناسند . نیروهای آزادیخواه این کشور بر راهنمایی رهبران مترقی خود
میکوشیدند عاملین اصلی ایجاد جنگ جهانی اول و عوامل شکست و
بدبختی مردم سیه روز را بدانان معرفی نسایند و بکک عموم مردم
ستدیده حکومتی آزادیخواه و مترقی بوجود آورند .

اما خیانت رهبران سوسیال - دموکرات که در صفوف مردم
زحمتکش آن سامان جدائی انداخته و در خلفا با هیتلر و سرمایه داران
و ملاکین آلمان مغالزه مینمودند و عوامل تاریخی دیگر مانع از
پیروزی نیروهای مترقی گردید .

فاشیسم برای اینکه صفت متوسط مردم آلمان را از جبهه
آزادیخواهان جدا سازد و عوامل حقیقی شکست آلمان را که اربابان
خود او و تقویت کنندگان حزب نازی بودند از نظر آنان پنهان
نگه دارد .

یهودیان آلمان را هدف تهمت ها و افتراهای خود
بقیه در صفحه ۳

در ماه مه ۱۹۴۵ فاشیسم

بقیه از صفحه ۱

قرار داد. محیط مسموم سوید جونی های شخصی و کوتاه فکری و تنگ نظری طبقه متوسط وعده کثیری از روشنفکران آلمان که در نتیجه صدها سال برقراری سلطه شوم مالکین و کارخانه داران و صاحبان بانکها و فلیتاریستها بر آلمان بوجود آمده و خصوصاً از دوره بیسمارک بعد شدت یافته بود، به نازیها امکان داد تا شوربهای بوج نژادی خود زادین جوانان نادان و غافل آلمان اشاه دهند.

فاشیسم با فریب دادن مردم متوسط و ایجاد نفاق بین مردم زحمتکش و محروم، تحت شعارهای فریبنده «سوسیالیسم ملی» نیرو مند شد، وبا زمینه چینی و اغماض رهبران سوسیال - دموکرات قدرت را در دست گرفت. پس از برقراری تسلط شوم خود نه تنها یهودیان را بطور دستجمعی قتل و غارت نمود، بلکه عده کثیری از مردم بیدار غیر یهودی آلمان را از دم تیغ گذارند.

حزب نازی با پول و کمک کارخانه داران بزرگ، یونگرس ها و اروپاها و کاپیترها قدرت رسیده بود، بنابراین لازم دید، دین خود را ادا کند صاحبان صنایع عظیم محتاج بازار بودند. فاشیسم مامور هجوم بکشورها و بدست آوردن مستمرات و بازارهای فروش برای اجناس آلمان گردید. ابتدا بکشورهای اطراف حمله ور شد. اطریش، چکوسلواکی و سایر کشورهای مجاور زیر چکمه سربازان نازی و در معرض تاخت و تاز دستجات اس - اس قرار گرفتند. سرمایه داری آلمان باین نواحی اکتفا نمود اس. اس های هیتلر و پیراهن سیاهان موسولینی سراسر اروپا زامورد تاخت و تاز قراردادند. بکشور شوروی حمله بردند در اینجهت هر جا یهودی و یا انسان آزادی دیگری یافتند طعمه کوره های آدمسوزی ساختند. دسته دسته انسان ها را در اردوگاهها و کتوهای مترکز نمودند تا جان در بدن آنان بودا دسترنجان استفاده بردند و هنگامیکه اسکلتی بیش از آنان باقی نماند آنان را بقتلگاهها کشاندند. از چربی بدنشان صابون و مواد شیمیایی تهیه دیدند.

دانشندان جانی نازی انسان های زنده را در لابراتوارها معرض آزمایشهای کشنده قرار دادند میکروبهای ضدیما ریهایی خطرناک از قبیل سل و وبا را بر روی مردم اسیر آزمایش نمودند اما سرانجام دیوممیب فاشیسم در نتیجه فداکاری مردم قهرمان شوروی و لهستان و مبارزین فداکار نهضت مقاومت فرانسه، در اثر جانفشانیهای قهرمانانه محصورین «کتوها» و در نتیجه همکاری و ائتلاف متفقین منکوب و در لانه خود سرب کوب گردید. هیتلر آن دیوانه جانی بربک موش متوسط شد همکاران جانی نزدیکش با خود کشی کردند با بدار آویخته شدند سقوط برلن بزرگترین واقعه تاریخی قرن بیستم بشمار میرود زیرا با نابودی دستگاه هیتلریسم و افسار آن بزرگترین پایگاه دول استعمار طلب از دستشان خارج شد. در جنگ ضد فاشیستی اخیر ملل آزادی دولت جهان از عهده انجام وظیفه خطیر و بزرگی برآمدند. باشکست نیروهای فاشیستی آلمان و ژاپن و سایر زوائد اروپائی و آسیائی آن کام بزرگی در راه آزادی و دموکراسی گیتی برداشته شد.

شکست ارتش های آلمانی و سرکوب شدن فاشیسم آلمان نشان داد که فاشیسم بپرشکلی که در آید در پیشگاه تاریخ بشکست محکوم است و همه و هر گونه «تئوری» و عقیده که بر بنیاد سود پرستی و ستم پدیده آید سر نوشتی جز فنا و نابودی نخواهد داشت. روشن است که شکست فاشیسم آلمان نه فقط همه بشریت را از اسارت فاشیستی نجات بخشید و از پایمال شدن کشورهای جهان، زیر چکمه های هیتلریها جلو گیری کرد بلکه ابواب سعادت و خوشبختی را برای عده زیادی از ملل جهان گشود.

اگرچه در این جنگ فاشیسم تارومار گردید ولی مادر فاشیسم هنوز در صدد احیاء مجدد آن در جهان است. استعمار طلبان انگلیس و آمریکا برای تسلط بر جهان سرگرم دمیدن روح بلاشه متفنن فاشیسم هستند این دولتها در همان سالهای اول پس از جنگ دوم شروع به متشکل نمودن عناصر فاشیست نموده و تدریجاً جناحکاران جنگ را که در پیشگاه بشریت محکوم شده بودند از مجازات اعدام و زندان رهایی بخشیده و در رأس پستهای حساس دولتی گماردند.

در قسمتی از آلمان بدستاری انگلستان و امریکا دولتی مرکب از عناصر فاشیست که از مجازات های سنگین رهایی یافته اند تشکیل شده است.

بلافاصله پس از تسلیم آلمان نازیها واس - اس های سابق، افسران ارتش هیتلر، سازندگان توپ و هواپیمای نظیر کروپ و - اشتین و ژنرال کودریان در رأس امور گماشته شدند و هم اکنون با کمال شتاب در راه احیاء «ورماخت» و تاسیس یک ارتش انتقام جوی با همان بقایای ارتش هیتلری بر میدارند. رژیم منحوس فرانکو که پس از جنگ یک لحظه بسقوط نزدیک شده بود اکنون با قدرت هر چه بیشتر تقویت میگردد. در ایتالیا و - فرانسه فاشیستها و توفاشیستها دوباره جان گرفته و در صدد بدست آوردن قدرت هستند.

ما اینک در شرایطی از هفتمین سال پیروزی بر فاشیسم رایاد میکنیم که در وطن ما ایران چهره کریه فاشیسم با همه مظاهر تنوع

که یکی از وظایف عمده شان تضعیف ملل از راه نفاق افکنی و ایجاد دشمنی بین آنان است از عدم آشنائی مردم نسبت به یک دیگر سودها میبرند، باروش ناجوان مردانه تهبت و افترا جوامع بشر را که بایستی حتماً متحد و برادروسیبی باشند از یکدیگر میترسانند. از آنان تصاویر زننده و غولپهائی وحشتناک بوجود میآورند باین وسیله زمینه را برای رشد و نمو فاشیسم این شجره خبیثه استعمار حاضر و آماده میسازند.

مطالعه تاریخ ملل عقب مانده بخصوص در نیم قرن اخیر شاهد گویای این روش استعمار است. در کشور خودمان ایران نیز، ناظر همین جریان منتهی باشکال گوناگون آن میباشیم.

شاموقعی که بعضی روزنامه ها را ورق بزیند در بالای اغلب مقاله های آن با حروف درشت عناوینی از قبیل «کوشش برای اتحاد و اتفاق ملت ایران» «حساسیت موقع و لزوم همصدائی عموم» «برای اصلاح ایران عزیز» و ... و امثال آن را مشاهده میکنید ولی در عین حال، در حالیکه ظاهراً برای اتحاد و اتفاق ملت ایران، قلمفرسایی می کنند با کمال گستاخی در گوشه دیگر به عده زیادی از مردم میهن خود حمله می کنند و آنان را بدون هیچ دلیل بیگانه میخوانند باید از آقایان پرسید منظورشان از ملت چیست؟

اگر طرفدار ملت ایران هستند آیا چه مجوزی بخود حق میدهند عده ای را فقط بدلیلی که دارای فلان مذهب بوده و بقولی «خدای خود را بطریق دیگری

بررسی برنامه انتخاباتی

بقیه از صفحه ۱

عبارت میکنند «مورد حمله و تهبت خود قرار دهند

اگر قرار است که ملت ایران مثل این آقایان قدم زنان خیابان اسلامبول بایقه های آهاری و صورت های تراشیده باشد، پس تمام مردم شهرستانها کوه نشینان لرستان و عشایر جنوب و مردم آذربایجان و مازندران حتی همین تهران در حقیقت تمام ملت ایران جزء «ملت ایران» نیستند البته این آقایان عده کمی دانسته وعده زیادی ندانسته در لباس دوستی با ملت خود، بدشمنان ملت، به بیگانگان کمک میکنند

برای خنثی کردن عملیات این نوع «ملت دوستان» و جلوگیری از تلقینات شیطانی آنان بایستی کوشش لازمی برای شناسائی جامعه یهود ایران بسایر هم میهنان بعمل آید.

این راهم باید گفت که این شناسائی باید جنبه مقابل و دو طرفه داشته باشد. یهودیان نیز آنطور که باید هم میهنان خود را بشناسند.

گو اینکه بعضی از نویسندگان بین ما یافت میشوند که متأسفانه و ندانسته، دیوار های «کتو» را تقدیس میکنند و برای دوام کردن آنها در حالیکه از پایه فرو ریخته کوششی بیهوده مینمایند.

محققا دانش جویان، کارگران، کسبه که روزانه بادوستان غیر یهودی خود دردانشگاه، کارخانه و بازارو خیابان تماس دائم دارند بی برده اند که چه قدر این دوستی و صمیمیت با ارزش و قابل ملاحظه

آورد آن تجلی کرده است.

عناصر فاشیست هر چند یکبار در خیابان های طهران خود نمائی کرده و به عربده جویی و دشنام و توهین میپردازند. نشریات و روز نامه هاییکه تئوری تمیضات نژادی و تجاوز را تبلیغ میکند اینک بعد و فور رسیده بیش از هر چیز همانطور که شیوه اصلی و همیشگی فاشیست هاست.

این عناصر جامعه ما را بیاد دشنام و افترا مینندند و برای استقرار یک «نظام» سیاه که کوچکترین صدای آزادی و عدالت از سینه کسی بیرون نیاید دنبال بهانه و دستاویز میگردند.

چه کسی باین سازمانهای خود رو نیرو میبخشد و چه دستگاهی این آدمخواران را بر عهده جویی و توهین با زادیخواهان و نشر اباطیل نژاد پرستی و کینه جویی تحریش و تشویق می کند.

نژاد پرستی و تقلید ناشیانه از شیوه های هیتلر، سجده خاضعانه بظنون منجلب فاشیسم و ایراد و توهین بیهود تئوری «سازمانهای» فاشیستی و افراد معدود و اندک شمار آن است. عروسکهای بدنامی که جز بازیچه ای در دست استعمار بین المللی بحساب نی آیند در صدد تکرار صحنه های داخائو و بوخوالد و کشتار دهشتناک جنگ اخیر در میهن ما هستند.

بهر حال مادر فاشیسم در تمام نقاط گیتی سرگرم بقدرت رساندن عناصر فاشیست و تجهیز آنان علیه بشریت آزادی طلب و صلح جومی باشد بطوریکه بشریت اینک در مقابل یک خطر جدی و عینی که هستی و حیات و تمدن او را دچار مخاطره می نماید قرار گرفته است.

ارتش آلمان را میخوانند بصورت ژاندارم ملل در آورند و با ساز و برگها و قدرت ماشینی جنگی عظیم تری بسراغ مردم ترقی خواه جهان کسبل دارند.

هم اکنون با کمال قوا از اجرای مقدمات با نالتا و پتندام که ایجاد یک آلمان واحد و مکررات و صلح جو را پیش بینی کرده است سرباز میزنند و بفریاد ملیوتها از مردم جهان که علیه تجدید قدرت فاشیسم در آلمان و تسلیح آن بانک اعتراض خود را بلند کرده اند کترین وقعی نی نهند.

استعمارگران اینک بیش از هر موقع اشتهای تجاوزات جنون آمیزشان بعمریک گردیده است و با سرعت بطرف جنگ و کشتار و غارت هستی جهان کام بر میدارند بهمین علت فاشیسم را احیاء میکنند و بدان آدمخوار پر و بال می دهند. ولی مردم آزادی دوست جهان فریاد میکنند.

جنگ و تجاوز کافی است بساط دستگاه تبلیغاتی نژادی و ضد بشری خود را درهم چینید، ما اجازه نخواهیم داد که بازمیلیوها از مردم ترقیخواه جهان فدای مطامع پست و پلید آزمندان گردند، تاریخ فاشیسم را محکوم کرده و کسانی که بلاشه متفنن آن روح می دمند و چهره پلید و قورت آور آن را جلا می دهند راهی جز شکست و نابودی در پیش نخواهند داشت، اینست صدای رسای تاریخ.

است و آنچه خدمت تواند جلوتبلیغات مفید و دشمنان ملت را رسد کند. بدون این تماسها، این دوستیها شناختن و شناساندن امکان ناپذیر میباشد.

یک وکیل مجلس که در حقیقت باینست نماینده و مظهر وضع موکلین باشد، تا حد زیادی میتواند معرفت جامعه ما گردد. متأسفانه تاکنون بعکس آن عمل شده است، از دوران بیست ساله که صرف نظر کنیم در این ده سال اخیر نیز گذشته آنکه قدمی در راه جبران مافات برداشته نشده، نمایندگانی که بنام مردم تکیه بر کرسی مجلس شورا زده اند نه فقط نوبت و بامظهر اکثریت قریب باتفاق جامه یهودیان نبوده اند درست به بدترین شکل ممکن نماینده عده ای مین و یاسر آس آلمان بوده اند. و از این راه گذشته از آنکه یهودیان را آنطور که هست بسایر هم میهنان شناسانده اند بلکه با عملیات خود تا حدود زیادی وسیله بدست مغرضین مفسدین راه نفاق داده اند.

سودجویان فقط میتوانند جیب های خود را هر چه بیشتر پر کنند، و چیزی که هرگز مورد توجه و علاقه آنان نیست دفاع از جامعه حقیقی یهود است.

بعقیده ما کسی که می خواهد بنام یهودیان مجلس برود بایستی واجد شرایط و خصوصیات باشد تا بتواند نه فقط نماینده بلکه نمونه جامعه خویش گردد.

امروز یهودیان از بسیاری جهات با یهودیان سابق فرق کرده اند، اکنون جامعه ما صرف نظر از طبقات زحمتکش دارای یک قشر قابل توجه از روشنفکران و تحصیل کرده ها، مهندسین اطباء، دانشمندان و نویسندگان لایق و شایسته است.

رشد و ترقی یهودیان در زمینه اجتماعی بیش از همه باید مورد ملاحظه و ذقت قرار بگیرد.

برخلاف سابق که نماینده مامکن بود از بین تجار و یا سود پرستانی از این قبیل تعیین گردد، امروز نماینده مابایستی از بین روشنفکرترین و مبرزترین افراد سیاسی و اجتماعی انتخاب گردد.

نمایندگی که بخواهد معرفت یهودیان باشد و آنان را بعموم هم میهنان شناساند باید حداقل خود دارای چنین صلاحیتی چه از لحاظ فردی و اجتماعی و اخلاقی باشد.

البته آنچه گفته شد لازم هست ولی کافی نیست.

انتشار روزنامه های منطقی و آبرومند تشکیل و توسعه انجمنهای فرهنگی و هنری و اجتماعی، دایر کردن نایشات و جلسات سخنرانی و امثال آن تا حدود شایسته ای میتواند در راه شناسائی جامعه ما و بالنتیجه ایجاد حسن تفاهم بین ما و هم میهنان مفید و موثر باشد.

در خانه این مختصر لازم است این موضوع راهم تذکر دهیم که بعضی از روشنفکران ما از زندگی طبقات محروم بی اطلاع هستند برای این منظور از شکل عادی و حقیقی خارج شده و جامعه را بصورت فانتزی و خیالی در میآورند.

مثلا این افراد معتقد هستند که بایستی از فقر و بی چیزی اکثریت باتفاق مردم چیزی در روزنامه منعکس نموده و یا عکسی گراور کرد.

اینطور نتیجه میگیرند که از این راه شاید لطمه ای به حیثیت جامعه ما وارد میآید.

در صورتی که حقیقت کاملاً با این درک آقایان متفاوت است.

عده زیادی از هم میهنان ما هنوز یهودیان را یک عده افراد مفتخوار، پول پرست که بروی پول و ثروت غلظت میزنند تصور میکنند، در حالیکه می بینیم

بقیه در صفحه ۳

چاپ خود کار ایران



بررسی برنامه انتخاباتی

بقیه از صفحه ۲
جامه مائز مانند تمام میهنان از یک اقلیت کوچک منم و یک اکثریت قریب با اتفاق بی چیز و زحمتش تشکیل شده است. ما متقدمیم که بایستی جامعه خود را آنطور که هست معرفی کنیم از لحاظ وضع زندگی، دردها و محرومیت ها، استعداد، روحیه بشر دوستی و علائق تاریخی و ملی ایرانی.
یک نماینده شایسته با علم و سواد دانشمند که خود از لحاظ خصوصیات اخلاقی و شخصی بتواند نمونه جامعه ما باشد میتواند در این راه با کمک علائقدان با موزاجتماعی و کسبهای شایسته و گرانبها بنیاید.

فیلم هنری

بقیه از صفحه ۴
مبارازن شجاع مواجه میشوند که با شتاب میروند تا یهودیان را از نابودی و هلاکت نجات دهند. داویدوک با یادایا وداع میکند و او را بدوستانش سپرده بگتور میگردد تا لیبرمان پدر بزرگش را که با حضور بدعامشغول بوده است نجات بدهد و بناتان که برای محافظت پیر مردمانده است کمک کنند او میراث خود را در مبارزه برای نجات ملتش شرکت کند.

و لادک تیانیچه پدرش را که مانند یادگار مقدسی حفظ میکرده باو میدهد و میگوید -

«من اطمینان دارم که تو زنده خواهی ماند و ما یکدیگر را مانند افراد متساوی مانند قهرمانان مبارزه در راه آزادی ملتها ملاقات خواهیم کرد»

در پایان فیلم بالجن اطمینان و ایمان کامل و امید بیروزی قطعی ملت گفته میشود -

«خدا حافظ داویدوک ما هم اطمینان داریم که تو هلاک نخواهی شد تو در آن سوی کوی گرانیچنا هم مبارزه خواهی کرد»

برونک و ولادک و بدون شبیه تمام آدمهایی هم که ایمان دارند باینکه مرزهایی بین انسانها وجود ندارند و تمام مردم برابرند با اتفاق تو مبارزه خواهند کرد»

و «توسکانینی» همه از مداحان او شده بودند و عظمت روحش را میستودند.

هنگامیکه ۱۹ ساله شد برای مدت دو سال از دنیای کسرت کناره گیری کرد و به خانه بیلاقی خودشان در کالیفرنیا رفت.

در این مدت رشد عجیبی کرد و تغییر حالتی باو دست داد که او را از صورت یک نابه کوچک بصورت یک مرد بزرگ در آورد.

در سال ۱۹۳۲ و طی پس از این دوره استراحت اولین کسرت خود را داد. متقدمین یکصد و یک زبان او را یکی از بزرگترین ویولونیستهای عصر خواننده و بعضی حتی او را عالیترین موسیقی دان جهان نامیدند.

از این زمان به بعد دیگر «منوهین» آن نابه کوچک نبود و روز بروز در کارهایش بخته تر میشد.

همیشه سعی داشت خود را بعد کمال برساند و هرگز آن ذوق ارتیتیک خود را از دست نمیداد.

امروزه «منوهین» استعداد خود را با الهام و ذوق ورشد فکری و معلومات واحساسات کنترل شده توأم ساخته و عالیترین کسرتها را میدهد.

کسرتهاهایی که او با خواهر یاری نیست خود «هفتزبا» میدهد از جالبترین کسرتها است و تاکنون چندین بار در اروپا و امریکا با یکدیگر کسرت داده اند.

چنان شکفت انگیز بود که استادانش بی اختیار فریفته این نابه کوچک شده بودند. منتهای کوشش خود را برای تکمیل تحصیلات او بکار میبردند و علاوه بر استادی جنبه پدری نیز برایش داشتند.

انسکو برای منوهین کوچک قدری منزلت بزرگی داشت و بعدها نیز نسبت باؤ علاقه و احترام زیادی نشان میداد. نفوذ این استاد در شاکرد کوچک کاملاً هویدا بود تا سالهای بعد نیز ادامه داشت. در همان هنگام که «منوهین» کوچک در پاریس بود برای اولین بار در شهر نیکیه آن موقع «عروس جهان» نامیده میشد و مرکز هنری اروپا محسوب میگشت با هیئت ارکستر «امورو» یک کسرت داد که در آن سه کسرتوی ویولن بزرگ را در یک برنامه نواخت و پاریس را در مقابل نبوغ خود بزانو درآورد.

«عروس جهان» تا آنوقت چنین نبوغی را بخود ندیده بود و طوفان احساسات مردم هنرمند پاریس چنان شدت گرفت که او را بزرگترین نابه عصر خواندند و در محافل ومجالس و روزنامه ها و نشریات خود جز در باره «یهودی منوهین» در خصوص چیز دیگری صحبت نمیداشتند.

بلافاصله پس از اتمام تحصیلات خود در پاریس منوهین بطرف امریکا عزیمت کرد و برای اولین بار در ۲۵ نوامبر ۱۹۲۷ در شهر نیویورک موفقیت درخشان تاریخی خود را با نواختن کسرتوی بشهون بهسراهی ارکستر سمفونیک نیویورک تحت رهبری فریتس بوش بدست آورد. یکی از منتقدین موسیقی درباره این کسرت چنین نوشت.

هنگامیکه این نابه کوچک آرشه را با ویولن آشنا ساخت کاملاً ظاهر و آشکار بود که دستی که آنرا میکشده متعلق بشخصی است که دارای هوش موسیقی عجیب وحساسیت فوق العاده و نبوغ غیر قابل وصفی است.

معلوم بود که او روح موسیقی را بخوبی احساس میکند و تمام ذرات وجودش تحت جذبۀ نفاتی است که از سرخورد آرشه با ویولن بر میخیزد. پیام و شعری را که در اثر حرکات نرم و آهسته دستش درست میشد بخوبی درک میکرد و بشنوندگان منتقل میساخت. خودش مسحور گردیده بود و دیگران را هم مسحور ساخته بود.

طرز نواختن او مخصوصاً هنگام اجرای «فیناله» فوق العاده روح بخش و در عین حال ساده و بی تکلف بود.

گردش در دنیای موسیقی
از آن بیعددیگومنوهین با گامهای بلند و محکم در دنیای موسیقی حرکت می کرد و پیروزی های او پایان پذیر نبود.

غیر ممکن است که در این مختصر شرح جزئیات این موفقیت های «نابه کوچک» داده شود ولی همینقدر میگویم که کسرتهاهایی که می داد یکی از دیگری بهتر و عالی تر بود و استعداد و ذوق و مهارتی که در اجرای شاهکارهای موسیقی به خرج میداد با آنکه طفلی بیش نبود در سراسر جهان باعث شگفتی و حیرت مردم گشته بود.

هنگامیکه در برلن برای اولین بار نواخت در یک شب برنامه ای از کسرتوهای باخ و برانن و پتهوون را نواخت و بقدری خوب از عهده آن برآمد که مردم با صدای «براو» و کف زدن و تشویق کردن خود نزدیک بود سالن را بروی سر خود خراب کنند.

بعضی حتی میگفتند که چنین ویولن زدن از زمان «جواکم» تا آنوقت سابقه نداشته است.

در این موقع دیگر عالیترین موسیقی دانهای جهان از قبیل «الکار» و «برونوالتر» و «هوبای» و «رینسکی» و «انسکو» و «پیزتی»

یهودی منوهین

بقیه از صفحه ۱
«یهودی منوهین» در خیابانهای روسنفری پرورش یافت و چون پدرش معلم بزرگی بود و علاقه بسویقی داشت از همان روزهای اول توانست بی نبوغ طفل خود پرده و او را در راهی که شایسته بود وارد ساخت.

نابه کوچک
۹ ماه از سن «یهودی» میگذشت که پدر و مادرش بشهر سانفرانسیسکو در ساحل باختری امریکا مهاجرت کردند و پدرش در آنجا رئیس انجمن آموزش یهودیان گشت.

یکسال بیشتر از عمر طفل کوچک «منوهین» نمیگذشت که روزی پدر و مادرش او را بکنسرت ارکستر سمفونیک سانفرانسیسکو بردند و بیچرا دایک صدای نغمات دلپذیر موسیقی بگوش طفل شیر خوار خورد صدایش خاموش گشت و مدت دوساعتی را که ارکستر مینواخت در بیل مادر مانند و با سکوت تمام بان گوش میداد.

پدرتین هوش و پر تجربه و مهربان هنگامی که این وضع را در طفل خود مشاهده کرد ملتفت شد که طفلش گوش موسیقی دارد و علاقه اش نسبت بان شدید است و بهین جهت تافرست می یافت او را برای شنیدن کسرتها میبرد و یا آنکه در خانه برایش موسیقی ترتیب میداد.

سه سال از عمر «یهودی منوهین» گذشته بود که دیگر با اشتیاق تمام با آهنگهای موسیقی گوش میداد و وقتی در روز جشن تولدش پدر و مادر برایش یک ویولن بازیجه خریدند طفل کوچک از شنیدن صدای ناموزون ویولن خود سخت آشفته گشت و فهمید که این ویولن صدای حقیقی را ندارد و با کمال عصبانیت آنرا بگوشه ای پرتاب کرد.

پدرش فهمید که طفل کوچک چیز بسویقی بجز دیگر علاقه ندارد و بازیجه برایش بی اهمیت است. از همان فردای آنروز «یهودی منوهین» بتحصیل موسیقی مشغول گشت و از همان دقیقه اول چنان علاقه و استعدادی از خود نشان داد که برای پدر و مادر و استادش شکی در انتخاب راه زندگیش باقی نگذاشت.

هنوز یکسال از این مقدمه نگذشته بود که طفل چهار ساله همراه دستۀ ارکستری که از طرف انجمن موزیکال «پاسیفیک» ترتیب داده شده بود شرکت جست و یکسال بعد از آن تحت نظر «زیگموند افکر» و یکسال بعد نیز در تحت نظر «لویی پرسینگر» بتحصیل پرداخت و در آخر بنجین سال عمر خود بقدری خوب ویولن مینواخت که استادان خود را بهیبت ساخته بود.

هنگامیکه وارد ششمین مرحله زندگی خود گشت اولین کسرت عمومی و رسمی خود را داد و در این کسرت که در سالن بزرگ شهرداری شهر سانفرانسیسکو برقرار بود در مقابل ۹۰۰۰ نفر شنونده کسرتوی مندلسن را بقدری عالی نواخت که بی اختیار مردم را مسحور و مجذوب آرشه سحر آمیز خود ساخت و آنقدر از طرف مردم مورد تحسین و تشویق قرار گرفت که نظیرش تا آن وقت هیسه نشده بود.

مسافرت اروپا

پس از مدت کمی منوهین برای تحصیل موسیقی نزد موسیقیدان بزرگ ادلف بوش به اروپا مسافرت کرد و پس از مدتی تحصیل در نزد این استاد برای آنکه با تکنیکهای مختلف آشنا گردد معلم خود را عوض کرد و نزد ژوزف انسکو بتحصیل پرداخت.

در نزد هر دو استاد تحصیلاتش بقدری درخشان و استعداد و ذوق هنری و نبوغش

مناظره موسیقی

بقیه از صفحه ۱
بنی این بوم شوم بد آواز جنبش خلق واله اش کرده کوشش مردمان زحمت کش بود واضح که دشمن بد ذات چند و پیکار مردمان غیور لاجرم حمله کرد چون سگ هار! وارد صحنه کرد برق آسا! داربا و فمونگر و طناز! یکی از کیه های «مناظره» «خان» سر سبده کفار! بنی آنکس که خویشش بفروخت بنی آنکس که بهر جاه و مقام برضد آشنا، جنایتکار تا بد آنجا که ملت خود را بهر جاه و مقام آن جانی فرس، آنجور آتشی افروخت اینک ای خلق از صفیرو کبیر! این شنیدم سحر ز بانک خروس! زنده گردیده خائن مکار! بهر ما خواب تازه ای دیدند غافل از اینکه خلق بیدار است خوب دانند که پس پرده مردمان جمله گشته اند آگاه شده امروز خلق ما روشن درک کرده است خوب ملت ما علت این همه گرفتاری علت جمله صحنه سازی ها نازه تازه ظهور هیتلر ها! مردم از این حقیقت آگاهند می شناسد کبست در هر جا می شناسد خصم بدخورا که نه تنه است خصم ملت ما فقط هست دشمن تو و من هست خصم تمام انسانها فکر او فکر فتنه انگیزی بانی جنک و شورش و غوغا موجب فقر و قحطی و خواری تابع پول و طالب جنک است ز آدمی و شرف بی دوراست بیه امروز مردم دنیسا وین زمان قید جهل بگستند «تابع هر مرام و هر مشرب دست یاری بیکدیگر دادند مردمان جمله صلح خواهانند هه از هر نژاد و هر ژنگند آشتی آرمان انسان هاست شده از سوی خلق ها رانده کهنه شد این سلاح استعمار توریهای واهی و موهوم ماهه آدمیم و انسانیم هه اعضای بگندگرمیم ذی حیاتیم و نوع انسانیم

کرد بر خلق حمله را آغاز رزم مردم بخشش آورده زده بر نیم جان او آتش شده از اتحاد مردم مات کرده بیکباره چشم او را کور بر صفوف فشرده احمرار یکی از مهره های «ملی» را از همان مهره های «شاهد» باز! نو کرد دستگاه «آنتیپوکس»! عامل سر شتش استعمار! بزرو، جان ملتی را سوخت! زد بر راه خلاف ملت گام بست قول و قرار با اغیار کرد او در ازای پول فدا ملتی را نمود قسربانی که خود او نیز در میان سوخت! خبری تازه هست گوش بگیر! تازه شد داستان «مناظره»! «وقتا زبنا عذاب انثار!» غافل از اینکه دیر جنبیدند! حاضر آماده بهر پیکار است چه کن این مهره را بیآورده! میشناسند راه را از چاه دوست را میشناسد از دشمن علت اصلی خرابی را محنت و فقر و ذلت و خواری خود نمائی حزب نازیها! هیتلرهای مارک یو-اس-آ خوب اصل قضیه را دانند صحنه گردان این نمایشها دشمن بمت و ماجرا جورا هست خصم تمام ملت ها! هست با نوع آدمی دشمن! نیست فاشیزم خصم صحنه! کار او کار قتل و خون ریزی دشمن صلح و خصم انسان ها باعث آو و مناسم و زاری دشمن علم و خصم فرهنگ است! «که ز کشتار خلق مصر و روستا» می شناسند دشمن خود را! هه بایکدیگر به پیوستند پیرو هر عقیده، هر مذهب» جانب صلح روی بنهادند گر یهودی و گرمسلانند طالب صلح و دشمن جنگند «مکتب خلق مکتب دودوتا است» توریهای بوج و امانده کوری دشمن جنایتکار هست در نزد توده ها محکوم هه از هر لحاظ یکسانیم که بغلقت زیک گهر هستیم هه شاگرد یک دبستانیم!

بین مائیت فاصله یک مو! «و حده لا اله الا هو»

بین مائیت فاصله یک مو! «و حده لا اله الا هو»

بین مائیت فاصله یک مو! «و حده لا اله الا هو»

بین مائیت فاصله یک مو! «و حده لا اله الا هو»

بین مائیت فاصله یک مو! «و حده لا اله الا هو»

بین مائیت فاصله یک مو! «و حده لا اله الا هو»

بین مائیت فاصله یک مو! «و حده لا اله الا هو»

بین مائیت فاصله یک مو! «و حده لا اله الا هو»

ماشین نویسی گریستال
مه های تحصیلی - جزوه های کلاسیک و نامه های تجارتي
ا توسط کارمندان دیپلمه این بنگاه که با اصطلاحات علمی
وفی آشنائی کامل دارند ترجمه و تحریر فرمائید
کلاسهای انگلیسی - دفتر داری دوبل
ماشین نویسی لاتین - عبری - فارسی
نشانی - لاله زار - روبروی کوچه خندان سرای طاهباز
۴-۱

یک پیشنهاد مفید
اندرز بدوستان علم و هنر
فتر داری دوبل و ماشین نویسی فارسی و لاتین را با ایلوب صحیح و
برد این موسسه که بحسن سابقه چندین ساله مشهور است بیاموزید و اندکی
خود اضافه کنید.
اشین نویسی ربانی - شاه آباد - تلفن ۳۷۱۳۵ - ۳-۶
پتی نورد مسافرت کنید | با مبین تور! مسافرت کنید

دختران

صاحب امتیاز و مدیر لقمان صالح
تکماه ۱۰۰ ریال
و چهل و شش ماهه ۶۰ ریال
۳ ماهه ۳۵

فلمی هنری

بقیه از صفحه ۱
نشان میدهد که یهودی در هر کجا باشد نیست بیهن و آب و خاکی که در خود بزرگش نموده وفادار است و در مواقع بحرانی و خطر در کنار برادران غیر یهودی قدم کرده و مبارزه بی امان علیه دشمن مشترک دست یازیده است.

در این فیلم بکسانی برخورد می کنیم که علم و رغبت تبلیغات شوم دشمنان بشریت و نفاق افکنان با منتهای صمیمیت و صداقت با برادران یهودی هم میهن خود کمک میکنند و دشمن مشترک و وظاهر هم مذهب را دلیل و زبون میسازند.

با این سخن در شبکه چلی لهستانی توجه کنید که ندای انسانی خود را در میدهد و کوشش برای بدینیت و فاشیت و ظاهراً مسیحی را بزانو در میآورد.

هنگامیکه در شبکه چلی به لیبرمان پسر مرد یهودی همسایه ۳۰ ساله اش کمک میکند تا اناثیه اورا به کتو ببرد در مقابل استهزاء کوشش برای خاتمی که با او میگوید چرا بیکنفر یهودی کمک میکنی؟ مگر تو هم میخواهی بکتوبروی «شرافتندانه» جواب میدهد «نه بکتو خواهم رفت و نه به برلن گو (مقصود قبله گاه اوست) من با آدمهای خوب کمک میکنم و مردم هم بمن کمک خواهند کرد»

همچنین در این فیلم تیپهای قهرمانی بر میخوریم که علی رغم آیه های یاس مردمان ضعیف النفس که خود را قادر بر مبارزه با دشمن نمیبینند و همه را دعوت بترک مقاومت مینمایند بایستی گیری قابل تحسین مبارزه با دشمن قوی پنجه و جرات برخاستند و دیگران را نیز باین راه کشانند و آتقدر مبارزه ادامه دادند تا دشمن را بزانو در آورند. ناتان یهودی داماد لیبرمان تلمود خوان چنین تیپی است. هنگامیکه او همه خانواده را دعوت میکند که بیکار یا هیتلری های وحشی بر خیزند پدر زنش مبارزه با حریف قوی پنجه را بیسوده می شود. ناتان قهرمان می گوید:

«باید مبارزه کرد و ولوبا مشت باشد. ما در کنار برادران لهستانی خود تا آخرین نفس خواهیم جنگید و مسلماً پیروز خواهیم شد»

قهرمان های فیلم هر کدام در جای خود بسیار آزموده اند. این فیلم صحنه ای از جنایات و وحشیگریهای هیتلریها را نشان میدهد. نشان میدهد که این جانین چگونه بکودکان و پیران و معلولین یهودی کترین رحم و شفقتی روا نداشته و آنها را زجر کش نموده اند.

همچنین این فیلم برای آنهاستیکه فاشیسم را مانند اسکیتینک رینگ مدروز دانسته و زود گذر میدانند باید آینه عبرت باشد باید آنها بدانند چنانچه مبارزه بی گیر مردمان شریف دنیا و در کنار آنها مبارزه همگی ما علیه خطر احمای فاشیسم که از طرف امریکا و انگلیس دامن زده میشود نباشد چنان دودی پشیمان خواهد رفت که علاج ناپذیر خواهد بود. ما در خاتمه بکلیه برادران و خواهران

اسرائل توصیه مینماییم که حتی بروند و این فیلم را ببینند تا بهتر بروج قهرمانی مبارزه جوان انسان های شرافتمند اعم از یهودی و غیر یهودی علیه فاشیسم بی برند. ضمناً برای اینکه خوانندگان عزیز بهتر بموضوع فیلم آشنا شوند ما خلاصه آنرا در زیر درج میکنیم.

موضوع قبل از جنگ از سال ۱۹۳۹ آغاز میگردد. زمامداران بورژوازی خائن لهستان خصومت نژادی را بقدری تشدید کرده اند که حتی بچه هادر موقع توپ بازی از انداختن داویدوک پسرک یهودی توی پوشکه آب و «غسل دادن» او لذت میبرند و تفریح میکنند. بچه ها وقتکه توپ را برای یادیا دختر دکتر بیالیک بطرف پنجره می اندازند گلهان کل رامیشکنند و در موقعی هم که توضیح میدهند که این کار تصادفی شده است تنه افروخته کوشش برای در مقابل بانو کلارا مریه یادیا آن دختر را مقصر معرفی میکنند. بچه ها از نامی او بر آشفته میشوند و یادیا هم باوسیلی میزند.

کازیمیر - وویتان کارمند بانک در منزلش صحبت میکند که در روزهای اخیر انتشار داده اند که حتی جنگ خواهد شد. باین جهت همه بیانک مراجعه میکنند و پولشان را مطالبه مینمایند. او میگوید اطمینان دارد که جنگ نخواهد شد و این اخبار را یهودیان سفته باز و محترک برای استفاده خودشان انتشار میدهند. وویتان افسر احتیاط و مخالف کلیبی ها است و به پسر خود ولادک نصیحت میکند که با داویدوک «جهود بچه» کیف بازی نکند.

مالیبرمان خیاط پیر کهنسال یهودی پدر بزرگ داویدوک را در خانه اش می بینیم او هم به نوه اش غریب غریب کند که بجای اینکه بخواند کتاب مقدس تلمود مشغول باشد بازی گویی میکند. لکن پیر مرد دامادی دارد که اسمش ناتان است و دارای نظریات دیگر است. ناتان توانسته است تحصیل کند عضو فعال سازمان مترقی یهودیان و طرفدار دوستی بین ملتها است. او از داویدوک حمایت میکند و پسرک را از او سر مشق میگیرد. یادیا دختر دکتر بیالیک با بروثک تسلیکوفسکی در شبکه چلی و وویتان دوست است. خود آن در شبکه چلی مرد در دستکار شجاع و انسان دوستی است. بروثک پسرش هم پسر با ذکاوت شجاعی است و حاضر است جانش را برای دوستانش نثار کند. ما می بینیم که آن بچه ها با چه احترام و محبتی نسبت به در شبکه چلی پیرو سازدن دوره کرد فرسوده و ناتوان و همچنین نسبت به داویدوک پسرک یهودی رفتار میکنند. آنها به آدمهای خوب احترام و اظهار علاقه میکنند و اعتنائی به وضعیت و حسب و نسب آنها ندارند. جنگ شروع میشود.

سروان کازیمیر - وویتان بولادک پسرش که بعد از او مرد منحصر بفرد و رئیس خانواده است آخرین دستوراتش را میدهد و قسمت خودش می رود. ناتان هم احضار شده است و عازم جنگ میشود. حمله شدید هوایی بورشو آغاز میگردد.

... آلمانیها وارد شهر میشوند. خانواده کوشش برای مانده تمام مردم بست فطرت و ضعیف النفس فوراً تکلیف خود را نسبت «بیمهن» و «ملت» معلوم میکنند. و اندا دختر آنها با هانش عضو اس. اس. مربوط و نزدیک میشود.

پدر و مادر او باینکار دخترشان مباحثات میکنند و مدعی میشوند که خودشان هم از آلمانی هائی هستند که مدتها قبل از شهر در سدن مهاجرت کرده اند. فرهدک پسر آنها هم میدانی برای فعالیت جاسوسی خود پیدا میکنند و از این کار لذت میبرد.

هانس سک گرگی بسیار خوبی دارد که رولف نامیده میشود و آموخته شده

است که «جهود» ها را تشخیص دهد و پیدا کند. در اولین روز آشنائی هانس با واندیا دختر کوشش برای خرید سرکه بر ستوران کوشش برای خرید سرکه هانس با واندیا حمله میکند.

جنگ در لهستان خاتمه مینماید. سراسر کشور رنج دیده لهستان در زیر چکمه آهنین فاشیتها واقع میشود. ناتان از اسارت بر میگردد و به لیبرمان پدر زنش اطلاع میدهد که برای ریشه کن کردن یهودیان بزودی کوی های محصور مخصوص «کتو» ایجاد خواهند شد ولی باید بر ضد اشخاصی که ملت را برده و بنده خود کرده اند مبارزه کرد. باید با تفاق ملت فداکار لهستان مبارزه بی رحمانه اقدام کرد پیر مرد همه چیز را اراده خداوند و غضب او در مقابل گناهان اشخاص نمی بیند او تصور میکند که یهودی ها نمیتوانند مبارزه کنند بلکه باید مطیع و تسلیم تقدیر باشند!

دکتر بیالیک نیکوکار که تمام ساکنین کوی نیکی و مهربانی میکند اسناد و کاغذهایش را رسیدگی میکند میباید در موقع هجوم مامورین اس. اس چیزی در میان آنها باشد که موجب هلاکتش شود توی کاغذها عکس خودش بیالیر یهودی را پیدا میکند که در طوفان برسم یادگار با و داده است و آنرا دوتکه کرده میاندازد.

ولی در شبکه چلی با الحان استهزاء جواب می دهد: آقای کوشش بیالیک نه به کتو خواهم رفت نه به برلن شما من فقط به آدم های خوب کمک می کنم و مردم هم بمن کمک خواهند کرد.

به لیبرمان خیاط کلیبی بفروشد تا با بول آن ولادک کاسبی کند. وویتان بمنزل لیبرمان می رود پیر مرد را هنوز به کتوبرده اند او در موقعی وارد منزل خیاط پیری شود که پیر مرد آخزین شبات خود را در خانه اش بر گذار می کرده است.

پیر مرد بدون طمع و با خلوص لباس وویتان را می دهد و حاضر می شود لباس نظامی او را گرفته بنهان کند پس از اندکی مامورین اس. اس بمنزل خیاط هجوم میاوردند لباس نظامی وویتان را می یابند ولی با وجود شکنجه های طاقت فرسا پیر مرد ساکت میماند و راز او را فاش نمیسازد.

تسلیم کوشش در شبکه چلی که سی سال بخوشی با لیبرمان همسایه بوده ارا به اش را می آورد و بخیط پیر کمک میکند که اناثیه اش را به کتو ببرد. در آن موقع کوشش بیالیک خیانت پیشه می رسد و پسرش را خود او هم میل دارد در کتو زندگی کند.

ولی در شبکه چلی با الحان استهزاء جواب می دهد: آقای کوشش بیالیک نه به کتو خواهم رفت نه به برلن شما من فقط به آدم های خوب کمک می کنم و مردم هم بمن کمک خواهند کرد.



دکتر بیالیک و یادیا دختر او در فیلم «کوی کرانینچنا»

ولادک فرزند وویتان مطلع میشود که یادیا از نواد یهودی است و بروثک پسر در شبکه چلی میگوید که یادیا دختر دروغگوی هستی است زیرا خودش را به همه لهستانی معرفی کرده است و دیگران لیاقت را ندارد که انگشت نامزدی او را در انگشت داشته باشد ولادک تقاضا میکند که انگشتی را هم که آن دختر به او داده است بگیرد و با او مسترد کند. این رفتار ولادک نسبت به آن دختر نجیب مهربان فوق العاده بروثک را متاثر و از رفیقش متنفر میکند.

وویتان که از اسارت گریخته است و اردو سازمان مقاومت ملت لهستان میشود آن سازمان با سازمان یهودیان مترقی بستگی و همکاری نزدیک دارد. ناتان داماد پیر مرد خیاط بوسیه داویدوک کوچولو از کتو با سازمانهای مذکور رابطه بر قرار میکند و کلیبی ها را در داخل کتو سازمان میدهد تا علیه وحشیگری جلادان ملت مقاومت کنند. داویدوک غالباً از مجاری و وسیع زیر زمینی فاضل آب شهر از بازداشتگاه خارج میشود و در مراجعت توی کیسه سب زمینی نارنجک بپوش و اسلحه های دیگر را که با او می دهند به کتو می آورد.

یادیا از نامه ای که از پدرش برای خاله اش می رسد می فهمد که پدرش در شهر ورشو است. او عازم شهر و منزلشان میشود ولی در آنجا فرهدک جاسوس خائن بیرون میاید و میگوید که جای او در کتو پیش پدرش است و وسیله با و زده بیرون میکند.

طبق امر زمامداران آلمانی که ملک را اشغال کرده اند، یهودیان را به کوی «کتو» انتقال میدهند. آن هادر آنجا در اوضاع و شرایط وحشتناکی زندگی میکنند از گرسنگی و سرما رنج میبرند از حبس و اسهال خونی و ضعف کلی مزاج و کم خونی از وحشیگری های ظالمانه زندانیان آلمانی و گروهی یهودیان خائن که خود را به بیگانه گان فروخته اند و وظائف پلیسی را برای آنان انجام میدهند هلاک می شوند.

عکس جد دکتر بیالیک را پسر کوشش یاک میبرد و پیدرش میدهد و اندا دختر او از شباهت عکس و نوشته روی آن به حسب و نسب دکتر بی بی برد. آنوقت آن ها بنیرنک متوسل می شوند و دکتر را وادار می کنند به کتو برود و خودشان بمنزل مرغوب و مرفه او نقل مکان میکنند.

دکتر برای نجات دادن دخترش از تنگ و مرگ از گرسنگی در کتو یادیا را نزد بانو هلنا خاله اش بده میفرستد. سروان وویتان هم از اردو گاه ترکز اسیران گریخته مجرمانه بخانه اش برمی گردد تا زن بیمارش را ملاقات کند و لباس نظامی خود را تغییر بدهد.

در منزل مطلع می شود که ولادک پسرش در مدت غیبت او در بازار سیاه کار می کرده و خوار بار از دهات اطراف شهر می آورده هر طور می توانسته امور معاش خانواده را اداره می کرده است برای این کار هم مجبور شده اند لباس شخصی او را

بروٹک بکمک یادیا می رسد و بمنزل خود می برد. بزودی داویدوک هم از کتو می آید که آذوقه ای بگیرد زیرا هر قدر می توانسته از خیت آذوقه باو می کرده است او یادیا اطلاع می دهد بدش سخت بیمار است و آنها با کتو می شوند.

دکتر بیالیک بدون اینکه آید و دخترش را بشناسد می میرد. یادیا هم در کارگاه خیاطی یهودیان را مجبور می کرده اند در آنجا برای بر بازان آلمانی بدوزند میباید می کند.

او و داویدوک از همان راه فاضل آب شهر غالباً بشهر رفته دوستانشان برای افراد ناتوان بی اطفال خوار بار تهیه می کنند در یکی از این قبیل مواقع اس. اس آنها را تعقیب می کند. هانس هم با رولف سک تعقیب آنها شرکت مینماید و داویدوک یادیا خودشان را توی مجرای فاضل آب می اندازند. مامورین اس. اس نمی کنند بدن آنها وارد آب بشوند تا تیراندازی می کنند.

کلوله ها بسک اصابت میکند متاثر میشود و زخم سک را بسته می نماید. تا خوب می شود از آن قدر شناس بان دختر علاقه مند می شود موثری در نجات دادن او در موا ابقاء می کند.

... زمامداران آلمانی اهالی «آریایی» شهر اعلامی که بچه های یهودی از کتو فرار کرده هر کس با آنها غذا یا پناه بدهد یا یهودی را ببیند و تحویل بلد تیر باران خواهد شد.

بعد از این آگاهی روزی خیابان با فرهدک جاسوس مصادف آن پسرک خائن او را تعقیب تحویل پلیس بدهد. یادیا بی می رسد پلیس ها هم فرهدک را در می بینند و خیال اینکه او یهودی می گریزد با کلوله می زند و می کتو وویتان را در آن لحظه ای دست گذاشته است. ولادک فرصت می گذشته است. ولادک فر

در آخرین لحظه تانچه جیش در آورد ولی نداشتن او را از مرگ نجات نمیدهند. تیر باران شدن پدر او پرستان لهستانی یهودی تما و فلاکتی که ملت دچار آن شده خدمتی که لیبر مان پیر پیدر انقلابی در باطن آن جوان اید طرز تفکر او را بکلی تغییر او از گمراهی های سابق برگشته شده نزد بروثک می رود و تحصیل آزادی معاون شود.

سخت ترین روزهای بر می شوند احساس می شود گاه فاشیتها وحشت عجیبی و در عین حال سببیت و وحش بعد اعلامی رسد.

بقصد نابود کردن بنا بازداشت شده آن ها کتو یهودیان تحت رهبری ناتان دیگر مقاومت می کنند. کنند اطفال و بیماران را سازمان مقاومت ملی کمک یادیا از راه های زیر زمینی و از فرط اضطراب و وحش بیشمار راه را کم می کنند ولادک که از آمدن آن مطلع شده اند با

سک وفادار با استقبال آنها لیکن در مجاری زیر زمینی بقیه